

تزه‌های عمومی درباره‌ی مسأله‌ی شرق

۶- جبهه‌ی واحد ضدامپریالیستی

در کشورهای غربی که از دوره‌ی انتقالی‌ای می‌گذرند که مشخصه‌ی آن گردآوری سازمان یافته‌ی نیروها است، شعار جبهه‌ی واحد پرولتری اشاعه شد. در مستعمرات شرقی، هم اکنون لازم است که شعار جبهه‌ی واحد ضدامپریالیستی اشاعه یابد. متناسب بودن این شعار از پرسپکتیو مبارزه‌ی طولانی علیه امپریالیزم جهانی، ناشی می‌شود، مبارزه‌ی که بسیج تمام نیروهای انقلابی را ایجاب می‌کند. آن چه بر لزوم این مبارزه هر چه می‌افزاید این است که طبقات رهبرکننده‌ی بومی متمایل به سازش با سرمایه‌ خارجی هستند و این سازمان‌یورشی است به منافع اساسی توده‌های مردم. هم چنان که در غرب شعار جبهه‌ی واحد پرولتری در افشای خیانت سوسیال-دمکرات‌ها به منافع پرولتاریا سهیم بوده و هنوز هم به هست، به همین منوال شعار جبهه‌ی واحد ضدامپریالیستی به افشای تزلزل و تردید گروه‌های مختلف ناسیونالیزم بورژوائی کمک خواهد کرد. از طرف دیگر، این شعار به انکشاف اراده‌ی انقلابی و روشن شدن آگاهی طبقاتی کارگران، با برانگیختن آن‌ها به مبارزه در صف اول، نه تنها علیه امپریالیزم بلکه هم چنین علیه هر نوع باقی مانده‌ی فنودلیزم، کمک خواهد کرد.

جنبش کارگری کشورهای مستعمره و شبه مستعمره باید، قبل از هر چیز، موقعیت انقلابی مستقل در جبهه‌ی واحد ضدامپریالیستی بدست آورد. فقط در صورتی که این اهمیت مستقل جنبش کارگری شناخته شده باشد و جنبش کارگری استقلال کامل سیاسییش را حفظ کند موافقت‌های موقتی با دمکراسی بورژوائی قابل قبول و حتا لازم می‌شوند. تا زمانی که تناسب نیروهانی که امروزه وجود دارد به پرولتاریا اجازه نمی‌

دهد اجرای برنامه شورانی خود را در دستور روز قرار دهد، پرولتاریا از مطالبات جزئی پشتیبانی کرده، خود آن ها را مطرح می کند، به طور مثال جمهوری دمکراتیک مستقل، اعطای حقوقی که زنان از آن محروم گشته اند به آن ها، و غیره. در عین حال سعی می کند شعارهای مناسبی طرح کند که آمیزش سیاسی توده های دهقان و شبه پرولتار را با جنبش کارگری تسهیل سازد. جبهه ی واحد ضدامپریالیستی بستگی ناگسستی ای با جهت گیری به طرف روسیه شوروی دارد.

همانا یکی از نکات اصلی تاکتیک جبهه واحد ضدامپریالیستی این است که برای جمع کثیر کارگران لزوم اتحادشان را با پرولتاریای بین المللی و با جمهوری های شوروی روشن سازد. انقلاب مستعمراتی نمی تواند پیروز شود مگر در همراهی با انقلاب پرولتاری در کشورهای غربی.

خطر سازش ناسیونالیزم بورژوائی با یک یا چند قدرت امپریالیستی متخاصم، به ضرر توده های مردم، در کشورهای مستعمره بسیار کمتر از کشورهای شبه مستعمره (چین- ایران) است، و یا از کشورهایی که با استفاده از رقابت های امپریالیستی برای استقلال سیاسی شان مبارزه می کنند (ترکیه). [هرگونه سازش از این نوع به معنی تقسیم قدرت به طریق کاملاً غیرمتساوی ما بین طبقات حاکمه ی بومی و امپریالیزم است، و تحت پوشش استقلال صوری کشور را در موقعیت قبلی آن به منزله ی یک دولت شبه مستعمره در خدمت امپریالیزم جهانی باقی می گذارد.]*

با درک این که در زمانی که مبارزه ی انقلابی آزادی بخش علیه امپریالیزم احتیاج به کسب فرصت تجدید قوا دارد، توافق های جزئی و موقتی می تواند قابل قبول و لازم باشد، طبقه ی کارگر باید با هر نوع تمایلی به سمت تقسیم قدرت، ما بین امپریالیزم و طبقات حاکمه ی بومی، خواه این تقسیم آشکارا صورت گیرد، خواه در پوشش، به شدت مخالفت ورزد.

*- این عبارت در متن فرانسه نیست، ولی در متن انگلیسی هست. (اسناد بین الملل کمونیست، انتخاب و تدوین، لندن، ۱۹۷۱، جلد اول، صفحات ۹۱-۳۹۰).

زیرا که هدف چنین تقسیمی حفظ امتیازات این طبقات است. قوای جبهه ی واحد ضدامپریالیستی، خواست اتحاد نزدیک با جمهوری پرولتری شوروی است. بعد از طرح این شعار، باید مبارزه ی قاطعی را برای حداکثر دموکراتیزه کردن رژیم سیاسی آغاز کرد تا عناصری که از لحاظ اجتماعی و سیاسی ارتجاعی ترین عناصرند از هرگونه پشتیبانی محروم شوند، و آزادی تشکلات کارگران که به آن ها اجازه می دهد برای منافع طبقاتی خود (خواست جمهوری دموکراتیک، اصلاحات ارضی، اصلاح مالیات ارضی، سازماندهی دستگاه اداری که بر اساس خود حکومتی وسیع پایه گذاری شده باشد، قانون کار، حمایت از کار، اطفال، مادران و نوزادان، و غیره) مبارزه کنند، ضمانت شود. طبقه کارگر حتا در سرزمین ترکیه ی مستقل هم از آزادی تجمع بهره مند نیست، و این می تواند نشانه ی مشخصه ی رفتار اتخاذ شده توسط ناسیونالیست های بورژوا نسبت به پرولتاریا باشد.

بازنویس: یاشار آذری

آدرس انترنتی کتابخانه: <http://www.javaan.net/nashr.htm>

آدرس پستی: BM Kargar, London WC1N ۳XX, UK

ایمیل: yasharazarri@yahoo.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۴